

عوامل جلب محبت اولیای خدا از منظر امیرالمومنین علی (ع)

سیده محدثه رضوی *

چکیده

محور نوشتار حاضر، برشمردن عوامل جلب محبت اولیای خدا در کلام گهربار امیرمومنان (ع) است. اتصاف به کمالات و اصلاح افراد در گروهی جلب محبت اولیای خداست که به کمال مطلق یعنی خداوند متعال متصلند و مهمترین عامل نیز در جلب محبت خدا در گروهی جلب محبت اولیای خدا و ائمه اطهار (ع) می‌باشد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به سامان رسیده است، به بررسی و تبیین معنای حب و جلب محبت اولیای خدا و تبعیت از آنان، ذکر فضائل و نشر معارفشان، دوستی با دوستان ائمه و دشمنی با دشمنانشان، ذکر مصایب ائمه، توسل و زیارت آنان پرداخته است.

کلیدواژگان: محبت، امام علی، اولیای خدا، ائمه اطهار (ع)

* طلبه سطح سه، معاون پژوهش حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) آمل؛ s.mr2020@yahoo.com
نوشتار حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید محسن موسوی و مشاوره آقای دکتر محمد دولتی پارچه‌باف است.

مقدمه

محبت و دوستی و آیین آن از مهمترین مباحث اجتماعی با پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشر می‌باشد. دین مبین اسلام نیز در آموزه‌های خود به این مهم توجه داشته و بر آن سفارش نموده است؛ چنانکه در احادیث آمده است: «هَلِّ الدِّينَ أَلَا الْحُبَّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۸۰)؛ یعنی آیا دین غیر از محبت چیز دیگری است؟ از نظر اسلام، محبت بیشترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی و انسانی دارد و مؤثرترین عنصر پرورش انسان‌های شایسته و کارآمدترین ابزار پیشرفت اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. از این رو نوشتار حاضر در پی آن است تا از میان آموزه‌های اسلام با توجه به کلام و سیره و امیرالمؤمنین علی (ع) عوامل جلب محبت اولیای خدا را بررسی و تبیین کند؛ چراکه کلام و سیره ایشان جلوه‌ای از جلوه‌های وجود بی‌بدیل خداوند است که در آن معارف بلندی ظهور یافته و راهنمای بشر است. امام (ع) تمام دوران حیات خود را در تلاش برای نجات و رستگاری خلق خدا گذراند و در این مسیر هرگز از حق و عدالت تخطی نکرد، چنانکه به توصیه پیامبر اکرم (ص): هر که دوست دارد بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره استوار چنگ آویزد و ریسمان محکم خدا را بگیرد، باید بعد از من علی را دوست بدارد و با دشمنش دشمنی ورزد و از پیشوایان هدایت که از نسل اویند، پیروی کند^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۹۲). با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر با محوریت کلام و سیره امام علی (ع) در

۱. «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمُتَمِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيَأْتِمَّ بِأَلِيَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ وَرَثَتِهِ».

صدد بررسی این محبت و عوامل جلب محبت اولیای خدا از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد.

معنای لغوی و اصطلاحی «محبت»

کتاب العین «محبت» را ضد بغض دانسته و حُب را به معنای سبب یا کوزه بزرگ می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۱). محبت در المحيط فی اللغة به معنای ضد بغض (صاحب، ۱۴۱۴: ۲ / ۳۲۱) و در المحکم و المحيط الأعظم به معنای دوست داشتن آمده است و همچنین واژه محبت را اسمی برای حب دانسته است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۲ / ۵۴۲). راغب در مفردات ابتدا محبت را تعریف کرده (راغب، ۱۴۱۲: ۲۱۴ و ۲۱۵) و سپس آن را بر سه قسم بیان می‌کند: «محبت اراده کردن و خواستن آن چیزی است که فکر یا گمان می‌کنی خیر و خوبی در آن است و بر سه قسم است: ۱) دوست داشتن برای لذت بردن؛ مانند آنکه مردی زنی را دوست بدارد. ۲) دوست داشتن برای فایده داشتن؛ مانند اینکه چیزی را دوست بدارد، به جهت نفع و فایده‌ای که در آن است. ۳) دوست داشتن به سبب کمال و فضیلت؛ مانند اینکه بعضی از اهل علم، علمای دیگر را دوست دارند به علت علم و دانشی که در آنها وجود دارد و دوست داشتن خداوند متعال، بندگان را همان بخشیدن و نعمت دادن به بندگان است و دوست داشتن بنده، خدای را، همان طلب نمودن قرب و منزلت به نزد اوست» (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۱).

در لغتنامه دهخدا نیز در تعریف محبت آمده است: «محبة. دوست داشتن، مهر، ود، و داد، دوستداری، دوستی، مودت و عشق» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳ /

۲۰۳۵۷). در لسان العرب نیز حبّ ضد بغض و به معنای دوست داشتن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۱).

«محبّت» عبارت است از احساس میل به چیزی که برای انسان لذتبخش است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۱۷) و یا به عبارتی محبت رابطه خاص و قوه جاذبه و کشش آگاهانه است که بین دو موجود ذی شعور وجود دارد و ملاک و معیار آن هم ملاطفت و ملایمتی است که آن موجود، آگاهانه با محب خود دارد که البته دارای شدت و ضعف و مراتبی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱/۲۴۷).

معنای لغوی و اصطلاحی اولیای خدا

«اولیاء» برگرفته از ماده «وَلّی» است و در خصوص آن در مفردات آمده است: «وَلّی یعنی دوستی و صمیمیت که دو معنی از آنها حاصل می شود و افزون می گردد تا جایی که میان آن معانی چیزی که از آنها نباشد، نیست و این معنی یعنی دوستی برای نزدیکی، مکانی، نسبی، دینی، بخشش و یاری کردن و اعتقاد و ایمان به کار می رود. وَلّیةٌ - با کسره حرف (و) یاری کردن است ولی - وَلّیةٌ - با فتحه حرف (و) سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را به عهده بگیرند» (راغب، ۱۴۱۲: ۴/۴۸۹).

در نتیجه اولیای الهی کسانی اند که میان آنان و خداوند حجابی نیست و مؤمن را از آن جهت ولیّ خداوند گویند^۱ (شعیری، بی تا: ۱۸۵) که مطیع اوامر

۱. قال رسول الله (ص): «المؤمن ولیّ الله».

و نواهی او و بهره‌مند از تمامی برکات معنوی، همانند هدایت و توفیق و تأیید الهی و بهشت رضوان است (هاشمی رفسنجانی و دیگران: ۱۳۸۴: ۵/ ۳۲۲). در عرفان نیز به کسی «ولی» می‌گویند که عهده‌دار کار دیگری شود که در این صورت جمع آن اولیاء است. عبدالرزاق کاشانی در اصطلاحات الصوفیه می‌نویسد: «ولی کسی است که خداوند کار او را به عهده بگیرد و او را از گناه بازدارد و او و نفسش را به نومیدی رها نکند تا در کمال به مردان حق برسد» (کاشانی، ۱۳۷۰: ۵۴).

بنابراین به طور عام «اولیاء الله» همان مؤمنان متقی و پرهیزکارند. امیرمؤمنان (ع) آیات «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یونس/ ۶۲ و ۶۳) را تلاوت فرمود و سپس از یاران خویش سؤال کرد: می‌دانید «اولیاء الله» چه کسانی هستند؟ عرض کردند: ای امیرمؤمنان شما خودتان بفرمایید که آنان چه کسانی هستند؟ امام (ع) فرمود: دوستان خدا، ما و پیروان ما که بعد از ما می‌آیند هستند، خوشا به حال ما و بیشتر از آن خوشا به حال آنها. بعضی پرسیدند: چرا بیشتر از ما؟ مگر ما و آنها هر دو پیرو یک مکتب نیستیم و کارمان یکنواخت نیست؟ فرمود: نه، آنها مسئولیت‌هایی بر دوش دارند که شما ندارید و تن به مشکلاتی می‌دهند که شما نمی‌دهید^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۲۴).

۱. «هُم نَحْنُ وَاتَّبَاعَنَا فَمَنْ تَبِعَنَا مِنْ بَعْدِنَا طُوبَىٰ لَنَا وَطُوبَىٰ لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَىٰ لَنَا قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا شَأْنُ طُوبَىٰ لَهُمْ أَفْضَلُ مِنْ طُوبَىٰ لَنَا أَلَسْنَا نَحْنُ وَهُمْ عَلَىٰ أَمْرِ قَالُوا لَا لِأَنَّهُمْ حَمَلُوا مَا لَمْ تَحْمَلُوا عَلَيْهِ وَأَطَاعُوا مَا لَمْ تُطِيعُوا».

برای اینکه انسان بداند، چگونه راه محبت را طی کند، خداوند در سوره آل عمران فرمود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران / ۳۱) اگر محب و دوستدار خدا هستید و گرایشتان به سمت «الله» است، پیرو حبیب الله باشید و رسول خدا (ص) اسوه محبت و دلیل طی راه محبت و راه فطری است. او الگوی محبت و توالی حق است و با تبعیت از حبیب الله می توان محبوب خدا شد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲ / ۲۴۰). همچنین ناگفته نماند که در بسیاری از احادیث مقصود از «حبیب الله» امیرالمؤمنین علی (ع) است. در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است: پیغمبر (ص) فرمود که شب معراج مرا به آسمان بردند دیدم بر در بهشت نوشته که «خدایی جز الله نیست، محمد فرستاده خدا است، علی دوست خداست، حسن و حسین برگزیده خدایند و فاطمه بانوی الهی است؛ بر دشمنان و کینه‌ورزان آنان، لعنت خدا باد (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۵). در زیارت‌نامه امیرالمؤمنین (ع) نیز آمده است: «سلام بر تو ای امیرالمؤمنین و سلام بر تو ای دوست خدا»^۱ (ابن بابویه، بی تا: ۲ / ۵۹۲).

همچنین پیامبر اکرم (ص) برگزیده از میان اولیای الهی می باشد که در فرازی از زیارت شریفه امین الله، از خداوند متعال درخواست می کنیم ما را دوستدار ایشان قرار دهد^۲ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۰) تا در اثر این محبت ما نیز همان راهی را که او پیموده و به همان مقصدی که او رسیده، نایل شویم. دعوت او به سوی این مقصد، همان مقام «ولایة اللهی» می باشد: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف / ۱۰۸). به طور قطع ائمه (ع) نیز مصداق تام «و

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ».

۲. «مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ».

مَنْ اتَّبَعَنِي» در این آیه شریفه می‌باشند. در روایتی آمده است: «أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي يَعْنِي نَفْسَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۵۸). مقصود از «وَمَنِ اتَّبَعَنِي» امیرالمؤمنین علی (ع) و اوصیای پس از ایشان می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت که محبت اولیای الهی به طور خاص در گرو پیروی از پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) و اوصیای پس از او می‌باشد که اطاعت از آنها همان اطاعت از خداست که موجب محبوبیت بنده نزد خدای متعال می‌گردد؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹). آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: پیروی از حبیب‌الله طی راه محبت است و طی راه محبت، محب خداوند را محبوب حضرتش می‌کند؛ زیرا انسان در سایه سلوک طریق محبت به محبوب حقیقی نزدیک شده، آنگاه محبوب وی می‌شود و چون به مقصد نزدیک شد، آثار مقصود در او ظهور می‌کند، و چون به «نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور / ۳۵) تقرب پیدا کرد، مصداق «نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» (تحریم / ۸) خواهد شد.

معنای محبت اولیای خدا از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه در توصیف اولیای خدا می‌فرماید: «و بدانید اولیای خدا (أئمه) (ع) و پیشوایان دین) که نگاه‌دارنده علم خدا هستند، آنچه را که باید نگاه داشته شود، حفظ می‌کنند از کسی که استعداد

فهم آن را ندارد، یا از کسی که آموختن به او مقتضی نیست پنهان می‌دارند تا پیش‌آمدها آن را ضایع نکرده (از بین نبرد) و چشمه‌های آن را جاری می‌گردانند (به هر کس که استعداد دارد می‌آموزند)، برای کمک و یاری با هم آمیزش می‌نمایند و با دوستی یکدیگر را ملاقات می‌کنند و از جام سیراب‌کننده (علم و حکمت) به هم می‌نوشانند و باز می‌گردند در حالی که سیراب شده‌اند»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵) در شرح آن بیان شده است:

۱- بندگان خدا آنچه را که باید از نااهلان به دور داشت به دور می‌دارند و اسرار الهی را جز نزد اهل سرّ بازگو نمی‌کنند.

۲- چشمه‌های علم الهی را برای مردم می‌شکافند. شارح برای کلمه «عیون» دو احتمال ذکر کرده است: اول اینکه منظور اذهان و عقول پیامبران و اولیای خدا باشد. دوم اینکه اصول علمی و ریشه‌های پاک دانش و وحی باشد که اولیای خدا بر آن آگاهی دارند (و لفظ «تفجیر» برای دلالت و جدا کردن و شرح اصول علمی و ریشه‌های پاک دانش و وحی استعاره آورده شده است).

۳- به منظور کمک به پیشرفت دین خدا و برقراری حدود الهی به همدیگر می‌پیوندند.

۴- با محبت و دوستی با هم برخورد می‌کنند، که خواسته شارع مقدس است تا مانند یک روح در بدن‌های مختلف قرار گیرند.

۱. «وَأَعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ عِلْمَهُ يَصُونُونَ مَصُونَهُ وَيَفْجُرُونَ عَيْونَهُ يَتَوَاصَلُونَ بِالْوَلَايَةِ وَيَتَلَقَّوْنَ بِالْمَحَبَّةِ وَيَتَسَاقُونَ بِكَأْسِ رُؤْيَةٍ وَيَصْدُرُونَ بَرِيَّةً لَا تَشْبِهُهُمْ الرِّبِّيَّةَ وَلَا تَسْرِعُ فِيهِمُ الْغَيْبَةُ عَلَى ذَلِكَ عَقَدَ خَلْقَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ فَعَلَيْهِ يَتَحَابُّونَ وَبِهِ يَتَوَاصَلُونَ فَكَانُوا كَتَفَاضِلِ الْبَدْرِ يَنْتَقِي فَيُؤْخَذُ مِنْهُ وَيَلْقَى قَدَ مِيزَةِ التَّخْلِيسِ وَهُدْبَةِ التَّمْحِيطِ».

- ۵- یکدیگر را با جام سیراب کننده‌ای آب می‌دهند. لفظ «کأس» را امام (ع) برای علم، استعاره آورده است؛ یعنی از همدیگر کمال استفاده علمی می‌کنند.
- ۶- به هنگامی که از هم جدا می‌شوند، مملو از کمالات نفسانی و آگاهی و حقایق عرفانی هستند. لفظ «ریّه» را استعاره آورده است.
- ۷- در میان آنان شک و شبهه‌ای نسبت به همدیگر وجود ندارد و با هم نفاق و بدبینی و حسد ... ندارند.
- ۸- غیبت در میان آنها به زودی یافت نمی‌شود (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵: ۶۴/۴). شارح در این عبارت که سرعت در غیبت را نفی کرده، دو احتمال را ذکر کرده است:
- الف) احتمال اول اینکه چون همه آنها معصوم از گناه و خطا نیستند، ممکن است گاهی به غیبت اقدام کنند و آنچه که در آنها نیست سرعت بر این عمل است، لذا امام (ع) این کار را تنها از آنان بعید شمرده است، نه اینکه به کلی آن را نفی کرده باشد.
- ب) احتمال دوم اینکه نفی سرعت در رابطه با دیگران است؛ یعنی به دلیل اینکه عیب و نقص آنها بسیار اندک است، کسی به زودی نمی‌تواند زبان به غیبت آنها بگشاید.
- ۹- خداوند سرشت آنها را برای ویژگی‌ها و کمالات قرار داده است و آنان را بر طبق قضای خود ایجاد کرده و آفریده است، بنابراین مطابق سرشت و سرنوشت خود به یکدیگر دوستی می‌ورزند و پیوند برقرار می‌کنند.
- ۱۰- برتری آنان بر بقیه مردم همانند برتری دانه بذر نسبت به بقیه دانه‌هاست. به این شرح که: آنان خالصان و پاکان مردمند که عنایت و رحمت

پروردگار شامل حال آنها شده به راه مستقیم هدایت یافته‌اند و با دستوراتی که خدا به آنها داده، آنان را مورد آزمایش و امتحان قرار داده است (همان، ۶۵).

در واقع این خصوصیتی که حضرت علی (ع) فرمودند، همان تعریف عامی است که در عبارات فوق در مورد اولیای خدا ذکر شد که در بیشتر مواقع از آنها به عنوان «مؤمن» یاد می‌شود؛ همان‌گونه که حضرت (ع) در جایی دیگر در توصیف مؤمن می‌فرماید: (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳) ^۱ «مؤمن شادیش در رخسار و اندوهش در دل است، سینه‌اش از هر چیز گشاده‌تر (بردباریش در سختی‌ها بی‌اندازه) است و نفسش از هر چیز خوارتر (فروتنیش بسیار) از سرکشی بدش می‌آید و ریا و خودنمایی را دشمن دارد، اندوه او (برای پایان کارش) دراز، همت و کوشش (در کارهای شایسته) بلند است (بر اثر فکر و اندیشه) خاموشی‌اش بسیار، وقتش (به طاعت و بندگی) مشغول و گرفته (نعمت‌های خدا را) سپاسگزار (و در بلاها و سختی‌ها) بیشمار شکیباست، در فکر و اندیشه‌اش (در بندگی و پایان کار) فرو رفته، به درخواست خود (از دیگری) بخل می‌ورزد (اظهار حاجت نمی‌نماید)، خوی او هموار، طبیعتش نرم است (متکبر و گردن‌کش و سختگیر نیست)، نفس او از سنگ محکم سخت‌تر، (در راه دین دلیر) است در حالی که او از بنده خوارتر (تواضع و فروتنی‌اش نسبت به همه بسیار) است (همان، قصار ۳۲۵).

۱. «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَ أَذْلُ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ الرَّفْعَةَ وَ يَسْنَأُ السَّمْعَةَ طَوِيلٌ غَمُهُ بَعِيدٌ هَمُّهُ كَثِيرٌ صَمْتُهُ مَشْغُولٌ وَقْتُهُ شُكُورٌ صَبُورٌ مَغْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ ضَنِينٌ بِخَلْتِهِ سَهْلٌ الْخَلِيقَةَ لِيْنِ الْعَرِيكَةِ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ وَ هُوَ أَذْلُ مِنَ الْعَبْدِ».

اما با دقت در آیات و روایات و همچنین طبق مطالبی که در تعریف مفهوم اولیای خدا ذکر شد، این گونه استفاده می‌شود که پیشتران در محبت خدا، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) هستند که از آنها به عنوان اولیای خاص خداوند یاد می‌شود که معصومند و اشتباهی از ایشان سر نمی‌زند.

عبدالحمید از ابی جعفر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت (ص) فرمود: «آیه شریفه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» در حق امیر المؤمنین علی (ع) نازل شد. اگر این آیه نازل نمی‌شد، شفاعت جدم شامل هیچ کسی نمی‌شد». احمد بن محمد بن ابی نصر از ثعلبة بن میمون نقل می‌کند که نجم می‌گوید: از ابی جعفر (ع) در تفسیر این آیه سؤال کردم، آن بزرگوار فرمود: «مَنِ اتَّبَعَنِي» یعنی هر کسی از علی (ع) اطاعت و متابعت کند (حسکانی، ۱۳۸۰: روایت ۳۹۲). سلم الحداء از زید بن علی (ع) نقل می‌کند که از مصطفی (ص) شنیدم در تفسیر آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» فرمود: من و اهل بیتم مصداق این آیه شریفه هستیم که یکی پس از دیگری امامت را به عهده می‌گیرند و شما را به سبیل الله فرامی‌خوانیم» (همان، ۱۴۷). همچنین از ابان بن تغلب نقل شده است که جعفر بن محمد (ع) در تفسیر آیه «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ» فرمود: به خدا سوگند منظور از آیه، ولایت ما اهل بیت مصطفی (ع) است که جز گمراهان و ضالین کسی ولایت ما را منکر نمی‌شود (همان، ۱۴۸).

امیرالمؤمنین در مورد ضرورت اطاعت از رسول خدا (ص) و اهل بیت ایشان می‌فرماید: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (ص) را

اطاعت نمایی، تا راهنمایی خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «مردم! به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آنسو که گام برمی‌دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید»^۲ (همان، خطبه ۹۷). در حدیث دیگری از ایشان در این خصوص آمده است: «نیکبخت‌ترین مردم کسی است که برتری مرتبت ما را بشناسد و به وسیله ما به خدا قربت جوید و محبت ما را در خود خالص سازد و بدانچه او را فراخوانده‌ایم، عمل کند و از آنچه او را نهی کرده‌ایم باز ایستد. پس چنین کسی از ماست و در خانه آخرت همراه ماست»^۳ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۲۴). همچنین در حدیثی دیگر فرموده است: «هر که ما را دوست دارد باید به عمل ما عمل کند و به پروا پیشگی خود را پوشش دهد»^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۱۷).

دوستی اهل بیت (ع) و پیروی از ایشان چیزی است که راه مردم را به سوی خدا هموار می‌سازد و آنان را به سرمنزل مقصود می‌رساند (دلشاد تهرانی،

۱. «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ص كَافٍ لَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا».

۲. «انظروا أهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم و اتبعوا أثرهم فلن يخرجوكم من هدى و لن يعيدوكم في ردى فإن لبدوا فالبدوا و إن نهضوا فانهضوا و لاتسبقوهم فتضلوا و لاتتأخروا عنهم فتهلكوا».

۳. «أسعد الناس من عرف فضلنا و تقرب إلى الله بنا و أخلص حبا و عمل بما إليه ندبنا و انتهى عما عنه نهينا فذاك منا و هو في دار المقامة معنا».

۴. «من أحبنا فليعمل بعملنا و ليتجلبب الورع».

۱۳۹۴: ۳۷۶-۳۷۸). امام علی (ع) می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین کسی ثابت‌تر از کوه احد در مکانش خواهد بود و هر کس که دوستی ما در قلب او جای نگیرد ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب ذوب می‌شود» (الهلالی، ۱۴۱۶: ۵۱۵ و ۵۱۶).

از اساس محبت الهی به وجود مقدس آن حضرات تعلق یافته و بعد به تبع آنان، محبتش به عوالم هستی تعلق گرفته است؛ چنانکه در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ» محبوبی برای خدا جز پیامبر اکرم (ص) و اهل بیتش (ع) نیست (تحریری، ۱۳۸۴: ۱/۴۵۸) و کسی هم که می‌خواهد مورد محبت خداوند متعال قرار گیرد، باید از راه و روش آنها اطاعت کرده و آنان را دوست بدارد. در این‌باره حضرت رسول (ص) در مورد امام علی (ع) و اهل بیتش می‌فرماید: «هر که دوست دارد به دستگیره محکم خدا تمسک جوید، باید به دوستی علی و اهل بیت من تمسک جوید»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۵۸).

ویژگی‌های اولیای خدا از منظر امیرالمؤمنین علی (ع)

مطالعه و تفکر در زندگی اولیای خدا، علاوه بر آنکه سرمایه بزرگی برای بشر به‌شمار می‌رود باعث شناخت شخصیت آن بزرگواران و ایجاد محبت آنها در دل می‌شود. امیرمؤمنان علی (ع) در مواردی بسیار به این امر پرداخته و در شناساندن آنها سخن رانده از جمله در خطبه ۲۳۹ نهج البلاغه می‌فرماید:

۱. «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي».

۱- آنها زنده‌کننده علم و دانایی و از بین‌برنده جهل و نادانی هستند (از ایشان علم به دست آمده، جهل برطرف می‌گردد). بردباری‌شان شما را از دانایی-شان آگاه می‌سازد (زیرا بردباری نمی‌کنند مگر از روی آگاهی) و ظاهرشان از باطنشان (کردار و گفتار نیکشان بر کمال اخلاص‌شان) و خاموشی‌شان از راستی و درستی گفتارشان (زیرا خاموشی و بی‌جا سخن نگفتن شخص، دلیل است بر اینکه گفتار او از روی علم و حکمت است).

۲- حق را مخالفت نمی‌کنند (و از آن رو بر نمی‌گردانند) و در آن اختلاف ندارند (گفتارشان یکنواخت است). ایشان ستون‌های اسلام و پناهگاه‌ها (ی آن) هستند (که به دانایی خود آن را حفظ نموده و احکامش را به مردم آموخته، آنان را از گمراهی و نادانی می‌رهانند). به وسیله ایشان حق به اصل و موضع خود بازمی‌گردد و باطل و نادرستی از جای آن دور و نابود می‌شود و زبانش آنجا که حق آشکار شد بریده می‌گردد (بر اثر علم و دانایی ایشان حق و حقیقت هویدا و باطل و نادرست از بین می‌رود).

۳- دین (و احکام آن) را شناختند؛ شناختنی که از روی دانایی و رعایت نمودن (عمل کردن) است، نه شناختنی که از روی شنیدن و نقل نمودن باشد.^۱ آنها دارای خصایصی‌اند که آنان را شایسته رهبری بر مردم کرده است. مطالعه در باب فضایل، مناقب و خصوصیات اخلاقی اهل بیت (ع) از قبیل

۱. «هُم عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ يُخْبِرُكُمْ حِلْمُهُمْ عَنِ عِلْمِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنِ بَاطِنِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنِ حَكْمِ مَنْطِقِهِمْ لَا يُخَالِفُونَ الْحَقَّ وَ لَا خَتَلْفُونَ فِيهِ وَ هُمْ دَعَاةُ الْإِسْلَامِ وَ وَلا يُجِ الْعِتْصَامُ بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نَصَابِهِ وَ انْزَاحَ الْبَاطِلُ عَنْ مَقَامِهِ وَ انْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنْبِتِهِ عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلَ وَعَايَةٍ وَ رِعَايَةٍ لَاعَقْلَ سَمَاعٍ وَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَايَةُ قَلِيلٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۹).

شجاعت، ایثار، تواضع، صبر و شکیبایی، انسان را متوجه مقام والای ایشان می‌کند و کشش خاصی نسبت به آن فرزندانگن ایجاد می‌نماید (کاشفی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). همان‌گونه که ذکر شد این محبت طرفینی است، بنابراین در ادامه به برخی از عواملی که موجب جلب محبت این بزرگواران می‌شود، خواهیم پرداخت.

عوامل جلب محبت اولیای خدا

۱. پیروی از امامان (ع)

لازمه محبت به کسی، توجه نمودن و پیروی از دستورات اوست؛ به‌گونه‌ای که فرد آن‌طور که محبوب می‌خواهد باشد (تحریری و تحریری، ۱۳۸۸: ۱۷۳) تا با انجام این اعمال مورد محبت و لطف او قرار گیرد. سرمایه محبت الهی و تقرب به او، تمسک به عروة الوثقی، متابعت و محبت اهل عصمت و طهارت است و تبعیت از ایشان بر وجه کمال، با سعی و اهتمام در عبادت و بندگی خداوند حاصل می‌شود و محبت، مقتضی اطاعت و فرمان‌برداری است (گلستانه، ۱۴۲۹: ۴۶۱).

درهای هدایت الهی پس از پیامبر اکرم (ص) با وجود اوصیای ایشان گشوده ماند، اما مهم این است که ما این حقیقت را دریابیم که آنان نزدیک‌ترین کسان به پیامبر (ص) و وارثان علم او و بیان‌کنندگان حقایق دین و احکام آن و ادامه دهندگان راه پیامبرند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱: ۷۳)؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «ماییم خاصان و یاران (پیامبر) و گنجینه‌ها و درهای (شهر دانش او) و به خانه‌ها جز از درهای آن در نیایند»^۱ و در خطبه ۹۷ نهج البلاغه در مورد

۱. «نَحْنُ الشُّعْرَاءُ وَالْأَصْحَابُ وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳).

ضرورت تبعیت از ائمه (ع) نکاتی را بیان می‌فرماید که اگر انسان از آنها روی برگرداند، ضلالت خود را خریده است: نگاه کنید به اهل بیت پیغمبر خود (امیر المؤمنین و فرزندان او) و از طریقه ایشان جدا نشده، رفتارشان را پیروی کنید که هرگز شما را از راه راست بیرون نمی‌برند و به هلاکت و گمراهی بر نمی‌گردانند. آنان بهترین خلق و سزاوار پیروی هستند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ، وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ، مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۱۱۰)؛ یعنی شما اهل بیت محمد (ص) و پیروانتان بهترین مردم بوده‌اید که از عالم غیب بیرون آمده، برگزیده شده‌اید تا امر به معروف و نهی از منکر کرده و به خدا ایمان آورید و اگر اهل کتاب ایمان آورده، پیروی شما نمایند، برای آنها از کفر بهتر است، بعضی از ایشان ایمان آوردند و بیشترشان فاسق مانده، از راه حق بیرون رفته، ایمان نیاورند. خلاصه آنکه پیروی از غیر آل محمد موجب ضلالت و گمراهی است. پس اگر ایشان (در موضوع خلافت یا جهاد یا امر دیگری در خانه) نشستند (قیام نمودند)، شما (نیز در خانه) بنشینید (از آنان پیروی نمایید) و اگر برخاستند (در کاری قیام نمودند)، شما هم برخیزید (آنها را یاری و همراهی کنید) و از ایشان پیش نیفتید (به رأی خود رفتار نکنید) که گمراه و سرگردان خواهید شد، پس نمانید (از اوامر و نواهی‌شان غفلت ننمایید) که هلاک و بیچاره می‌شوید (نهج البلاغه، خطبه ۹۶).

۲. ذکر فضائل و نشر معارف ائمه (ع)

یکی از راه‌های جلب محبت اولیای خدا که در طول تاریخ نقش مهمی در احیای مرام، دین و کمالات آنان داشته، ذکر فضایل و نشر معارف ایشان بوده

که هم تأثیر فردی و هم تأثیر اجتماعی دارد؛ به ویژه ذکر فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) که دشمنان اسلام بعد از رسول خدا (ص) همواره درصدد مخفی کردن فضایل آن حضرت (ع) بوده‌اند و اقدامات گوناگونی برای خاموش کردن نور ایشان به کار بسته‌اند؛ از جمله ممنوع کردن ذکر حدیث از رسول خدا (ص)، ترویج جعل احادیث درباره دشمنان آن حضرت (ع)، تحت فشار قرار دادن محبین و شیعیان ایشان و ... اما با وجود تمامی این فشارها، فضایل آن حضرت از همه اصحاب رسول خدا (ص) فراوان تر نقل شده است، به گونه‌ای که اهل سنت نیز نتوانسته‌اند آنها را مخفی کنند؛ حتی روایاتی در باب ثواب ذکر فضایل ایشان و اینکه «نگاه به آن حضرت عبادت است» را نقل کرده‌اند (تحریری و تحریری، ۱۳۸۸: ۱۵۰) و در نهج البلاغه نیز خطبه‌هایی از زبان ایشان در معرفی فضایل و برتریشان آمده است.^۱

امام صادق (ع) در ذکر فضایل و نشر معارف آن حضرت (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: «همانا خداوند متعال برای برادرم علی ابن ابی طالب (ع) فضیلتی را قرار داده است که غیر او نمی‌تواند عددش را بشمارد. پس کسی که فضیلتی از فضایل آن حضرت را ذکر کند، در حالی که اقرار به آن داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد، هر چند به اندازه گناه جنّ و انس باشد و کسی که فضیلتی از فضایل علی ابن ابی طالب (ع) را بنویسد، همواره ملائکه برای او استغفار می‌کنند تا وقتی که اثری از آن نوشته باقی است و کسی که به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش دهد، خداوند گناهی که با

۱. برای مثال خطبه‌های ۳۷، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۲۴ و ...

گوشش انجام داده می‌آمزد و کسی که به نوشته‌ای در فضایل آن حضرت نگاه کند، خداوند گناہانی که با چشم انجام داده می‌آمزد. سپس رسول خدا (ص) فرمود: نگاه کردن به علی ابن ابی طالب (ع) و یاد کردن او عبادت است و ایمان بنده‌ای قبول نمی‌شود مگر به ولایت او و بیزاری از دشمنانش» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۶/۳۸، روایات ۱، ۴، ۶، ۹؛ ۲۶/۲۲۷، روایات ۲، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱؛ به نقل از تحریری و تحریری، ۱۳۸۸: ۱۷۴ و ۱۷۵).

۳. دوستی با دوستان ائمه (ع) و دشمنی با دشمنان ایشان

یکی از عوامل جلب محبت اولیای خدا، دوستی با دوستان ایشان و دشمنی با دشمنانشان می‌باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا يَجْتَمِعُ حَبْنًا وَ حُبُّ عَدُوْنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/ ۴) (کراجکی، ۱۴۱۰: ۵۳)؛ یعنی محبت ما خاندان، با محبت دشمنان ما در قلب انسان جمع نمی‌شود. خداوند می‌فرماید: قرار نداده است خدا برای مرد، دو قلب در یک بدن».

محبتی که همراه با پیروی و اطاعت از اهل بیت (ع) باشد، جذب شدن انسان به سوی آن بزرگواران و انزجار از دشمنان آنان را در بر خواهد داشت و باعث جلب محبت خدا و اولیایش خواهد شد. امام علی (ع) می‌فرماید: «لِمُحِبِّنَا أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ؛ برای دوستداران ما دسته‌هایی از رحمت خداوند و برای دشمنان ما دسته‌هایی از خشم خداوند است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۷/۸۸). همچنین ایشان می‌فرماید: «کسی که ما را با قلبش دوست داشته باشد و با زبانش کمک کند و در برابر دشمنانمان با دستش همراه ما بجنگد، پس او با ما در درجه ما می‌باشد و کسی که ما را با قلبش دوست

داشته باشد و با زبانش کمک کند و با دشمنان ما در کنار ما نجنگد، پس او به درجه‌ای پایین‌تر از قبلی است و کسی که ما را با قلبش دوست داشته باشد و با زبان و دستش کمک نکند، در بهشت است و کسی که در قلبش با ما دشمن باشد و با زبان و دستش بر ما دشمنی کند، پس او همراه با دشمنان ما در آتش است و کسی که در قلبش با ما دشمن باشد و با زبان و دستش بر ما دشمنی نکند، او در آتش است»^۱ (همان، ۸۹).

۴. ذکر مصائب ائمه (ع)

یکی دیگر از عوامل جلب محبت اولیای خدا، بیان مصائب و ظلم‌هایی است که از طرف غاصبین حق ایشان بر ایشان روا داشته شده است. از این‌رو تشکیل مجالسی در این خصوص و گریه کردن بر مصائب ایشان، یکی از راه‌های مهم در بیان حقانیت ایشان و باطل بودن راه دشمنان‌شان و زیاد شدن محبت به ایشان و کینه دشمنان‌شان می‌باشد. ائمه (ع) نیز خودشان در بیان ظلم‌هایی که بر ایشان رفته، کوشا بوده‌اند؛ چنانکه در روایتی از علی (ع) آمده است: «من و فاطمه و حسن و حسین نزد پیامبر بودیم آن حضرت به ما نگاه کرد و گریست. من عرض کردم: ای رسول خدا! چرا گریه می‌کنید؟ فرمودند: برای آنچه بعد از من با شما خواهد شد. عرض کردم: آنچه خواهد بود؟ فرمودند: گریه من برای ضربتی است که بر فرق تو فرود می‌آید و سیلی‌ای که بر صورت فاطمه می‌خورد

۱. «مَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُمْ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا وَمَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ وَمَنْ أَحْبَبَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعَانَ بِلِسَانِهِ وَلَا يَبِيدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَلَا يَبِيدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ».

و نیزه‌ای که بر ران حسن می‌زنند و سمی که به او می‌نوشانند و شهادت حسین است. اهل بیت (ع) همه گریستند. من عرض کردم: ای رسول خدا! گویا خداوند ما را فقط برای بلا و گرفتاری آفریده است. پیامبر اکرم فرمودند: بشارت باد تو را ای علی، همانا خداوند با من بر این پیمان بسته است که دوست ندارد تو را مگر مؤمن و دشمن ندارد تو را مگر منافق»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۳۴). همچنین در سخنی دیگر فرموده‌اند: «همراه رسول خدا در کوچه‌های مدینه می‌رفتیم ... چون کوچه خلوت شد، حضرت مرا در آغوش گرفت و در حالی که گریه‌اش گرفته بود فرمود: پدرم فدای شهید تنها. من عرض کردم: ای رسول خدا! از چه گریه می‌کنید؟ حضرت فرمودند: از کینه‌ها و دشمنی‌هایی که در دل اقوامی نسبت به تو جمع شده است که آنها را ظاهر نخواهند کرد، مگر پس از رحلت من؛ همان کینه‌های مانده از جنگ بدر و خون‌های ریخته شده در احد. عرض کردم آیا دین من آسیبی نخواهد دید؟ فرمودند: دین تو در سلامت خواهد بود»^۲ (الهلالی، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۶۹). همچنین دیگران را نیز به تشکیل مجالس و شعر گفتن درباره مصایب‌شان سفارش می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۲۸۲، روایات ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۸، ۲۹؛ ۲۵۷ / ۴۵).

۱. «بَيْنَا أَنَا وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِذِ انْفَتَحَ إِلَيْنَا فَبِكِي فَقُلْتُ مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَبِكِي مِمَّا يُصْنَعُ بِكُمْ بَعْدِي فَقُلْتُ وَ مَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَبِكِي مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقُرْنِ وَ لَطْمِ فَاطِمَةَ خَدَّهَا وَ طَعْنَةِ الْحَسَنِ فِي الْفَخْذِ وَ السَّمِّ الَّذِي يُسْقَى وَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ قَالَ فَبِكِي أَهْلَ الْبَيْتِ جَمِيعاً فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا خَلَقْتَنَا رَبَّنَا إِلَّا لِلْبَلَاءِ قَالَ أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُ لَا يُجْبِكُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ».

۲. «كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ ... فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي ثُمَّ أَجْهَشُ بَاكِياً وَ قَالَ يَا أَبِي الْوَحِيدُ الشَّهِيدُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ ضَعَانٌ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبْدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي أَحْقَادُ بَدْرٍ وَ تَرَاتُ أَحَدٌ قُلْتُ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي قَالَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ».

و به فراموشی سپرده نشود و هر نسلی بتواند با فهمیدن حق و باطل، راه درست را انتخاب کند و دینی که نجات‌دهنده بشریت است، آشکار شود و مبانی آن در پرتو این مجالس بازگو گردد و بر همگان حجت تمام شده و مقدمات تشکیل حکومت جهانی ولی الله الاعظم (عج) فراهم شود (تحریری و تحریری، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

۵. توسل به ائمه (ع)

توسل، انسان را در درگاه خداوند بزرگ، آبرومند می‌سازد و منشأ تقرب او و جلب محبت پروردگار متعال می‌شود. امیر المؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «توسل بطاعة الله تنجح؛ متوسل شو به فرمانبرداری از خدا تا صاحب پیروزی گردی» (غرر الحکم و درر الکلم، ۱، ۲۳۴) و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «افضل التوسل الاستغفار»؛ بهترین توسل، یعنی متوسل شدن به خدا و او را وسیله‌ای برای طلب آمرزش خود انتخاب کردن. در بعضی نسخه‌ها «التوصل» آمده است و حاصل آن هم همان است؛ زیرا که «توصل» هم به معنی پیوند جستن است (همان، ۲۸۸۷).

یکی از مهم‌ترین راه‌های اظهار محبت به ائمه (ع)، واسطه قرار دادن ایشان در امور و مشکلات، به درگاه خداوند متعال است چراکه حتی کوچکترین رغبت به آن بزرگواران بی‌پاسخ نخواهد ماند؛ چنانکه در حدیثی از علی (ع) آمده است: «مَنْ رَغِبَ فِي حَيَاتِكَ فَقَدْ تَلَقَّ بِحَبَالِكَ؛ هر کسی در زندگی تو رغبت داشته باشد پس به تحقیق که به ریسمان تو دست زده است»؛ یعنی همین قدر دوستی کافی است برای اینکه او متوسل به تو شمرده شود و (در این هنگام) باید رعایت حال او را بکنی و ممکن است که منظور این باشد: هر که به زندگی کسی رغبت

داشته باشد به مجرد همین، متوسل به اوست و خود را از منسوبان او قرار داده است (همان، ۵ / ۴۶۸).

اِثْمَهُ (ع) کامل‌ترین اسمای الهی و نزدیک‌ترین وسایط فیض به حق تعالی می‌باشند، از این‌رو می‌توان در تمامی امور به ایشان متوسل شد. در حدیثی از حضرت رسول (ص) در مورد اثر توسل به علی (ع) آمده است: «ای علی ... هر کسی به تو تکیه و توسل کند، نجات یابد و هر که با تو مخالفت کند، فرو افتد و هلاک شود»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲ / ۱۴۸) و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است»^۲ (همان، ۲۷ / ۹۲).

۱. «... فَمَنْ رَكَنَ إِلَيْكَ نَجَا وَمَنْ خَالَفَكَ هَوَىٰ وَ هَلَكَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ اللَّهُمَّ اشْهَدْ...».

۲. «الرَّوْحُ وَالرَّاحَةُ وَالْفَلَجُ وَالْفَلَّاحُ وَالنَّجَاحُ وَالْبَرَكَةُ وَالْعَفْوُ وَالْعَافِيَةُ وَالْمَعَاوَةُ وَالْبُشْرَى وَالنَّصْرَةُ وَالرِّضَا وَالْقُرْبُ وَالْقَرَابَةُ وَالنَّصْرُ وَالظَّفَرُ وَالْتِمَكِينُ وَالسَّرُورُ وَالْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلِيٌّ مِنْ أَحَبِّ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عٍ وَوَالَاهُ وَآتَمَّ بِهِ وَأَقْرَبَ بِفَضْلِهِ وَتَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَحَقُّ عَلِيٍّ أَنْ أَدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَحَقُّ عَلِيٍّ رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَهُمْ أَتْبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي».

۶. زیارت ائمه (ع)

یکی دیگر از عوامل جلب محبت اولیای خدا، زیارت آنان چه در حال حیات و چه پس از ممات دنیایی و جسمی است که نتیجه این عمل، مورد تقرب و شفاعت قرار گرفتن فرد از سوی این بزرگواران است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «در راه خدا، اهل فرمانبرداری او را زیارت کن و راهنمایی را از اهل ولایت او فراگیر»^۱؛ یعنی از دوستان او یا از جمعی که او ایشان را والی و امیر کرده؛ یعنی ائمه بر حق صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۱۳/۴، حدیث ۵۴۹۱) و در حدیثی دیگری می‌فرماید: «شیعیان ما آنانند که با یکدیگر بذل و بخشش می‌کنند در دوستی ما و یکدیگر را دوست می‌دارند در راه محبت ما و به زیارت یکدیگر می‌روند در باب زنده گردانیدن امر ما. آنان که اگر غضب کنند، ستم نکنند و اگر راضی شوند، از حد در نگذرند. عین برکت‌اند بر کسی که با او همسایگی کنند و در مقام آشتی با هر که آمیزش کنند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۳/۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، این نتایج حاصل می‌شود:

۱. بر اساس حدیث امیرالمؤمنین و امام صادق (ع) اساس محبت به خدا و اولیای خدا در طینت مؤمن به ودیعه گذاشته شده است.
۲. کسانی که درجات والائری از محبت خدا را به خویشتن اختصاص داده‌اند، انبیاء و اولیای خدا هستند که زودتر از دیگران به سؤال «الست بربکم» حضرت

۱. «زر فی الله اهل طاعته، و خذ الهدایة من اهل ولایت».

حق به اختیار خویش پاسخ بلی دادند و این پاسخ فقط پاسخ کلامی نیست بلکه پاسخ عملی و اخلاقی و روحی است، به گونه‌ای که در تمامی این شئون، محبوب و محبوب خداوند شده‌اند.

۳. اتصاف به کمالات و اصلاح تمامی افراد در گروهی جلب محبت اولیای خداست که به کمال مطلق یعنی خداوند متعال متصلند.

۴. مهمترین عامل در جلب محبت خدا در گروهی جلب محبت اولیای او و ائمه اطهار (ع) است که اطاعت از آنها همان اطاعت از خداست که موجب محبوبیت بنده نزد آن بزرگواران و سپس خدای متعال می‌گردد.

۵. از منظر امام علی (ع) عوامل دیگری در جلب این محبت مؤثر است، از جمله کسب معرفت و شناخت خداوند متعال، ایمان توأم با عمل، اخلاص، اقامه نماز، زکات، روزه، حج، ذکر خداوند، دوستی با قرآن، رفتار عالم عامل به قرآن، تقوا، تزکیه نفس، شکرگزاری، توبه و عبرت از گذشتگان، جهاد در راه خدا، دوستی با مردم و رعیت، صله رحم، صدقه و احسان به فقرا، به جا آوردن کارهای پسندیده همچون اصلاح ذات البین، پیروی از ائمه (ع) و دوستی با دوستان آنان و دشمنی با دشمنان ایشان، نشر فضائل و معارف ائمه، ذکر مصایب ایشان، توسل به آنان و زیارتشان.

۶. اگرچه انسان مؤمن در این مسیر دچار مشقت و سختی است، اما بنا بر سخن معصوم (ع)، چنین فردی در دنیا و به خصوص در آخرت سعادت‌مند و رستگار خواهد شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه. تهران: نشر صدوق، بی تا.
۴. _____، الأملی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۵. _____، عیون أخبار الرضا، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، تحقیق و تصحیح عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضویه، ۱۳۵۶.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ترجمه حبیب الله روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۱۰. تحریری، محمدباقر. جلوه های لاهوتی (شرح زیارت جامعه کبیره). قم: دارالمعارف، ۱۳۸۴.
۱۱. تحریری، محمود؛ تحریری، محمدباقر، شرحی بر زیارت امین الله (مخبتین)، تهران: انتشارات حر، ۱۳۸۸.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سید مهدی رجایی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، به-کوشش محمدرضا مصطفی پور، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۴.

۱۴. حسانى، عبید الله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ترجمه احمد روحانى، قم: دار الهدى، ۱۳۸۰.
۱۵. خوانسارى، جمال الدين محمد، *شرح غررالحكم و دررالكلم*، تصحيح ميرجلال الدين حسینی ارموی محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، *تفسیر موضوعی نهج البلاغه*، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۱۷. _____، *ماه مهر پرور (تربیت در نهج البلاغه)*، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۴.
۱۸. دهخدا، علی اکبر و همکاران، *لغت نامه دهخدا*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعه حیدریه، بی تا.
۲۱. صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، تحقیق و تصحيح محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، تحقیق و تصحيح مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق و تصحيح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۶. کاشفی، محمدرضا، *آیین مهرورزی*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

۲۷. کاشانی، عبدالرزاق، *اصطلاحات الصوفیة*، تحقیق و تصحیح جعفر محمد کمال ابراهیم، قم: انتشارات بیدار، ۱۳۷۰.
۲۸. کراچکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، تحقیق و تصحیح عبدالله نعمه. قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. گلستانه، سید علاء الدین محمد، *منهج الیقین (شرح نامه امام صادق (ع) به شیعیان)*، تحقیق و تصحیح مجتبی صفی و علی صدراپی خوبی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۳۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق و تصحیح حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار*، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، *دوستی در قرآن و حدیث*، ترجمه حسن اسلامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۳۴. محمدی، حمید. *مفردات قرآن (بررسی چهل واژه کلیدی قرآن کریم)*، قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۵.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن ۱*، تحقیق محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، *فرهنگ قرآن (کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآنی)*، قم: انتشارات فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴.

۳۷. الهلالی، سلیم بن قیس، *أسرار آل محمد*، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی
خوئینی، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۶ق.